

The Conceptual Model of Desired Inferiority Based on Islamic Sources*

✉ **Mohsen Akbari**  / M.A. Student in Psychology at Imam Khomeini Educational and Research Institute.
mohsenakbari6778@gmail.com

Mohammad Reza Jahangirzadeh Qomi / Assistant Professor, Department of Psychology, Imam Khomeini Educational and Research Institute.
jahangirzadeh@iki.ac.ir

Received: 2025/11/04 - **Accepted:** 2026/01/07

Abstract

The aim of the present study was to develop a conceptual model of desired inferiority based on Islamic sources and to examine its validity. According to the purpose, a mixed qualitative and quantitative method was used. In the qualitative part, first, using the semantic domain method, 142 religious propositions were collected through 15 related words via purposive sampling and analyzed using the qualitative content analysis method of Shayeh and Shannon through inductive qualitative content analysis in three stages: open coding, axial coding, and selective coding. Then, in the quantitative part, the validity of the findings was evaluated and confirmed by 7 experts based on the expert opinion assessment method by calculating the content validity index and content validity ratio. The research findings showed that the concept of inferiority in Islamic sources can be divided into two levels: desired inferiority and undesirable inferiority. Desired inferiority is a concept consisting of the categories of realistic attitude toward oneself and others, constructive emotion, and perfection-oriented action. Conducting this research provides a suitable basis for designing a questionnaire and developing an intervention protocol for self-esteem."

Keywords: Key words: feeling of inferiority, desired inferiority, conceptual model, Islamic Sources.

* This paper was presented at the International Conference on Islamic Humanities in Commemoration of Allameh Mohammad Taqi Mesbah Yazdi



مدل مفهومی «احساس کهرتی مطلوب» بر اساس منابع اسلامی*

✉ محسن اکبری  / دانش‌پژوه کارشناسی ارشد روان‌شناسی مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی ✉ mohsenakbari6778@gmail.com

محمد رضا جهانگیرزاده قمی / استادیار گروه روان‌شناسی مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی ✉ jahangirzadeh@iki.ac.ir

دریافت: ۱۴۰۴/۰۸/۱۳ - پذیرش: ۱۴۰۴/۱۰/۱۷

چکیده

هدف پژوهش حاضر، تدوین مدل مفهومی احساس کهرتی مطلوب بر اساس منابع اسلامی و بررسی میزان روایی آن بود. با توجه به هدف، از روش آمیخته کیفی و کمی استفاده شد. در بخش کیفی، ابتدا با استفاده از روش حوزه‌های معنایی، به‌وسیله ۱۵ واژه مرتبط، ۱۴۲ گزاره دینی از طریق نمونه‌گیری هدفمند جمع‌آوری و با استفاده از روش تحلیل محتوای کیفی شیوه و شانون به شیوه تحلیل محتوای کیفی استقرایی، طی سه مرحله کدگذاری باز، محوری و انتخابی، مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت؛ سپس در بخش کمی، اعتبار یافته‌ها بر اساس روش ارزیابی نظرات کارشناسان، توسط ۷ متخصص با محاسبه شاخص روایی محتوا و نسبت روایی محتوا ارزیابی و تأیید شد. یافته‌های پژوهش نشان داد که مفهوم احساس کهرتی در منابع اسلامی، به دو سطح احساس کهرتی مطلوب و احساس کهرتی نامطلوب قابل تقسیم است. احساس کهرتی مطلوب، مفهومی متشکل از مقوله‌های نگرش واقع‌بینانه به خود و دیگران، عاطفه سازنده و کنش کمال‌آفرین است. اجرای این پژوهش، زمینه مناسبی را برای طراحی پرسش‌نامه و تدوین پروتکل مداخله در عزت‌نفس فراهم می‌آورد.

کلیدواژه‌ها: احساس کهرتی، کهرتی مطلوب، مدل مفهومی، منابع اسلامی.

احساس کهرتری، مفهومی کلیدی در برخی نظریه‌های روان‌شناختی به‌ویژه مطالعات مربوط به حیطة «شخصیت»، «آسیب‌شناسی» و «درمان» است. به‌طور کلی، منظور از احساس کهرتری، هر نوع نگرش انتقادی و عموماً منفی نسبت به خود می‌باشد (Reber & Reber, 1995; Istiqomah, Ratnasari, & Ahmad, 2025). در واقع، فردی که از احساس کهرتری برخوردار است، نسبت به دیگران و آنچه که از خود توقع دارد، احساس ارزش کمتری می‌کند (Corsini, 1999; Amani, Taqiyah, & Iswinarti, 2024). آلفرد آدلر (۱۸۷۰-۱۹۳۷) که نام وی با این مفهوم گره خورده است، در مقاله خود بین احساسات طبیعی کهرتری و عقده کهرتری به معنای دقیق کلمه تمایز قائل شد (Colman, 2009). عقده کهرتری بیانگر وضعیتی است که در آن احساسات ناپسندگی بر فرد غلبه می‌کند (Stoyanova & Ivantchev, 2025). در واقع، عقده کهرتری، یک احساس پایه‌ای از ناکارآمدی و ناامنی است که از کمبودهای فیزیکی یا روانی واقعی یا خیالی ناشی شده است. این احساس ریشه‌دار ممکن است منجر به رفتارهایی همچون اجتناب افراطی یا جبران افراطی شود (VanenBos, 2015; Amani, Taqiyah, & Iswinarti, 2024). پژوهش‌گران بر این باورند که این اصطلاح، حامل بار معنایی ریشه‌های ناخودآگاه بوده و از این جهت بدون شناخت عوامل ناخودآگاه نمی‌توان آن را تشخیص داد (Reber & Reber, 1995). آدلر معتقد بود ایده‌های همراه با بار عاطفی ناشی از ترس و خشم سرکوب‌شده، تبدیل به عقده کهرتری می‌شوند (Colman, 2009).

در اندیشه آدلر، مفهوم احساس کهرتری در مقابل عقده کهرتری، بار معنایی منفی ندارد. از نظر وی، ضعف‌های جسمانی مولد احساس کهرتری، نعمت به حساب می‌آیند؛ چراکه نیاز به غلبه بر احساس‌های کهرتری همواره به افراد فشار می‌آورد و میل به کمال، آنها را به سمت خود می‌کشانند. به گفته آدلر (۱۹۵۶)، هرچند نیروی تلاش فطری است، ولی ماهیت و جهت آن ناشی از احساس‌های کهرتری و هدف برتری است. وی معتقد بود نقایص جسمانی به‌خودی‌خود اهمیت زیادی ندارند، بلکه زمانی معنادار می‌شوند که احساس ذهنی کهرتری را تحریک کنند که به‌صورت نیروی محرکی در جهت کمال یا یکپارچگی خدمت می‌کند. برخی افراد با حرکت به سمت سلامت روان‌شناختی و سبک زندگی مفید، این احساس‌های کهرتری را جبران می‌کنند؛ درحالی‌که دیگران جبران مفرط کرده و برای غلبه بر دیگران یا کناره‌گیری از آنها برانگیخته می‌شوند (Feist, Roberts & Feist, 2021).

اریکسون نیز یکی دیگر از نظریه‌پردازان دانش روان‌شناسی است که جایگاه مهم احساس کهرتری در رشد روانی - اجتماعی و شکل‌گیری شخصیت را یادآور شده است. مطابق نظریه وی، مسئله شایستگی در دوران کودکی میانه بسیار مهم است. وی این دوره را که تقریباً از ۶-۱۲ سالگی ادامه دارد، مرحله «ابتکار در برابر احساس کهرتری» نام‌گذاری کرده است (Santrock, 2020). موفقیت در این مرحله، احساس تسلط، کارآمدی و شایستگی را به ارمغان

می‌آورد. در مقابل، دشواری‌ها در این مرحله منجر به احساس شکست و بی‌کفایتی می‌شوند (Feldman, 2020). با توجه به آثار فوق، می‌توان گفت برخلاف تصور ابتدایی، این مفهوم در ادبیات روان‌شناسی به دو معنای مطلوب و غیرمطلوب به کار رفته است؛ همچنان که گفته شد آدلر (۱۹۵۶) معتقد است احساس کهنتری، یک نعمت و موتور محرک انسان به سمت پیشرفت و کمال است. اریکسون نیز بر این باور است که هرچند نسبت سخت‌کوشی و کهنتری باید به نفع سخت‌کوشی باشد، اما مانند ویژگی‌های اخلاک‌گر دیگر، نباید از کهنتری اجتناب کرد (Feist, Roberts & Feist, 2021).

احساس کوچکی نفس در برابر وجود برتر، در روان‌شناسی دین نیز به‌عنوان یکی از هیجان‌های معنوی همراه با کارکردهای دوگانه مثبت و منفی مورد بحث قرار گرفته است؛ همچنان که اوتو (۱۹۵۸) به هیجان مخلوق بودگی در برابر جلال و نقش آن در فروتنی وجودی می‌پردازد (ص ۲۰-۲۱). جیمز (۱۹۰۲) نیز در بحث از گوناگونی تجربه دینی، از تجربه «احساس حضور» سخن می‌گوید که در آن فرد فراتر از خود رفته و احساس وابستگی یا کهنتری در برابر واقعیتی برتر را تجربه می‌کند (James, 1902, p. 208-209). وی تجربه خود در برابر خداوند را با احساس «حیرت آمیخته با آرامشی لذیذ» توصیف می‌کند (James, 1902, p. 56). به‌طور کلی، پژوهش‌ها حاکی از آن است که مواجهه با پدیده‌های بسیار بزرگ (مثلاً عظمت طبیعت یا قدرت الهی) اغلب احساس کهنتری و کوچکی در فرد ایجاد می‌کند. این «احساس کهنتری وجودی» همیشه منفی نیست، بلکه در قالب فروتنی معنوی می‌تواند فضیلتی مثبت تلقی شود. باید توجه داشت که فروتنی یا عزت‌نفس پایین یا خودکم‌بینی بیمارگون تفاوت دارد. فرد فروتن خود را کوچک می‌شمارد، اما احساس بی‌ارزشی افسرده‌وار ندارد. در مقابل، احساس کهنتری شدید یا شرم سمی ممکن است به آسیب روانی بینجامد که از فضیلت فروتنی فاصله دارد (Downie, 2022).

در ادبیات منابع اسلامی نیز احساس کهنتری از دو جهت ممدوح و مذموم، مورد توجه قرار گرفته است. به‌عنوان نمونه، روایات متعددی با تأکید بر مرگ‌اندیشی، هدف آن را خودکوچک‌پنداری ذکر می‌کنند (ابن حیون، ۱۳۸۳ق، ج ۱، ص ۳۵۴). خواری‌پنداری خود و دوری از عجب به قدری اهمیت دارد که خداوند آن را بر عبادات مستحبی ترجیح می‌دهد (کلینی، ۱۳۶۳، ج ۲، ص ۶۱). این احساس موجب حرکت انسان به سمت کمال و جبران خطاهای خود می‌شود (کلینی، ۱۳۶۳، ج ۳، ص ۳۱۱). همچنین غلبه بر هوای نفس از جهت معنوی و کسب عزت اجتماعی از جهت مادی، از جمله آثار احساس کهنتری مطلوب است (جعفر بن محمد، ۱۴۰۰ق، ص ۱۶۹). در مقابل، در منابع اسلامی از احساسی دیگر نیز سخن به میان آمده است که هرچند بیانگر نوعی کهنتری و خواری نسبت به خود است، لکن ماهیتی متفاوت دارد. این احساس کهنتری، نه تنها موجب کسب عزت اجتماعی نمی‌شود، بلکه با بسیاری از ناهنجاری‌های اجتماعی همچون زورگویی (کلینی، ۱۳۶۳، ج ۲، ص ۳۱۲)، دروغ‌گویی (مفید، بی‌تا، ص ۲۳۲)، نفاق (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰ق، ص ۷۲۲) و عهدشکنی (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰ق، ص ۳۹۸) مرتبط است. همچنین برخلاف احساس کهنتری مطلوب که با سطح

بالای معرفتی مرتبط است، احساس کهرتری نامطلوب فرد را به امور مادی محدود ساخته (شعیری، بی تا، ص ۱۰۹) و زمینه خودمقایسه‌گری در امور مادی را فراهم می‌آورد (کلینی، ۱۳۶۳، ج ۲، ص ۱۳۷). بنابراین به نظر می‌رسد احساس کهرتری در منابع اسلامی قابل تقسیم به دو نوع مطلوب و نامطلوب است.

این تقسیم در آثار اندیشمندان اسلامی نیز قابل مشاهده است. امام خمینی علیه السلام (۱۳۹۲) معتقد است برای برخی ردایل نفسانی از قبیل حسد عوامل بسیاری است که عمده آن به رؤیت ذلّ نفس برمی‌گردد و در مقابل، صرف رؤیت کمال نفس، منجر به کبر و سرکشی می‌شود. آیت‌الله جوادی آملی نیز احساس کهرتری را در دو قسمت ممدوح و مذموم مورد بحث قرار داده است. ایشان خوف عقلی و آگاهانه را یکی از عوامل ایجاد احساس کهرتری ممدوح معرفی کرده و معتقد است برخورداری از این احساس، پیامدهای سه‌گانه قرب به خداوند، تکامل فردی و عزت یافتن نزد دیگران را در پی دارد (پورکاویان و همکاران، ۱۴۰۳). ایشان معتقد است احساس کهرتری مذموم، سنخ دیگری از این احساس است که در حیات دنیوی و اخروی امکان ابتلا به آن وجود داشته و باید از این احساس و آثار منفی آن اجتناب کرد (جوادی آملی، ۱۳۹۴، ج ۳۶). همچنین علامه مصباح یزدی (۱۳۹۱الف) بر این باور است که کهرتری روحی و بیماری خودکم‌بینی می‌تواند هوش فوق‌العاده و استعداد بالای افراد متدین و باسواد را تحت تأثیر قرار داده و در نهایت عاقبت فرد را به الحاد و نفاق ختم کند. به‌علاوه این بیماری می‌تواند موجب آن شود فرد نسبت به خویان کینه و دشمنی ورزیده و در نتیجه بیش از پیش بر کفر و شرک و جور و فساد اصرار کند (مصباح یزدی، ۱۴۰۲). ایشان احساس کهرتری مثبت را نیز مورد بحث قرار داده و ضمن تبیین این احساس به‌عنوان شرط لازم معراج شدن نماز، سه مقدمه را زمینه‌ساز دستیابی به این احساس معرفی می‌کند: ۱. اندیشه درباره عظمت خداوند و مقایسه آن با خود؛ ۲. توجه به دانات و پستی و زشت‌کاری خود در برابر خداوند؛ ۳. تأمل در نافرمانی‌های خود به‌جای شکرگزاری خداوند (مصباح یزدی، ۱۴۰۱الف). همچنین ایشان این حالت را منشأ گریه و زاری شخص متضرع و در نتیجه تسلیم در برابر امر حق می‌دانند (مصباح یزدی، ۱۴۰۱ب).

به‌طور کلی، احساس حقارت به‌عنوان یکی از مفاهیم مطرح در اندیشه اسلامی و همچنین نظریه‌های روان‌شناختی، همچنان موضوعی جذاب برای پژوهشگران بوده و از زوایای مختلف مورد مطالعه قرار می‌گیرد. لیو و همکاران (۲۰۲۲) مبتنی بر رسانه اجتماعی، به تحلیل عوامل احساس حقارت پرداخته‌اند. همچنین شن و همکاران (۲۰۲۲) تأثیر طرد اجتماعی بر احساس حقارت در جامعه جوانان را مورد پژوهش قرار داده‌اند. امانی و همکاران (۲۰۲۴) نیز در یک مطالعه سیستماتیک، عوامل مؤثر بر احساس حقارت را بررسی کرده‌اند. به‌طور خاص‌تر، در تحقیقات مبتنی بر دین اسلام نیز، تحقیقات فراوانی در این زمینه صورت گرفته است. به‌عنوان نمونه، احمد و جانشیر (۱۴۰۱) پیامدهای عزت‌نفس از منظر قرآن، احادیث و روان‌شناسی را در پژوهش خود تحلیل کرده‌اند. همچنین باروئی (۱۴۰۱) در پایان‌نامه خود به مسئله تواضع و ذلت در قرآن و سیره معصومین علیهم السلام پرداخته است. کاشفی (۱۴۰۲) نیز در پایان‌نامه

خود با در نظر گرفتن عوامل احساس حقارت، راهکارهای ارتقای عزت نفس را از منظر آیات و روایات معرفی کرده است. در اثری دیگر، میرزاترابی و همکاران (۱۴۰۳) با استعانت از آموزه‌های اسلامی، مدل مفهومی عزت نفس را تدوین کرده‌اند. همچنین پورکاویان و همکاران (۱۴۰۳) با مطالعه آثار آیت‌الله جوادی آملی، موفق به تحلیل مضمون مبانی اسلامی احساس حقارت شده‌اند.

هرچند هریک از منابع مذکور با عنایت خاصی مسئله احساس کهنتری را مطالعه و بررسی کرده‌اند، ولی هنوز جای خالی مدل مفهومی جامع از احساس کهنتری مطلوب و احساس کهنتری غیرمطلوب بر اساس منابع اسلامی مشهود است. این اثر، خلأ مزبور در بخش «احساس کهنتری مطلوب» را در قلمرو رسالتش پر می‌کند. بنابراین تحقیق حاضر با هدف بررسی سطح احساس کهنتری مطلوب، درصدد آن است که با تکیه بر منابع اسلامی، به دو سؤال پاسخ دهد: ۱. مؤلفه‌های مفهوم احساس کهنتری مطلوب کدام‌اند؟ ۲. مؤلفه‌های مفهوم احساس کهنتری مطلوب، از چه میزان روایی برخوردارند؟

روش پژوهش

در این پژوهش بنیادی از روش کیفی و کمی استفاده شده است. در بخش کیفی، به‌منظور جمع‌آوری متون، روش حوزه‌های معنایی (Trier, 1931) و به‌منظور تجزیه و تحلیل متون، روش تحلیل محتوای کیفی شیه و شانون مورد استفاده قرار گرفت. در بخش کمی نیز از روش ارزیابی نظرات کارشناسان بهره گرفته شد.

جامعه متنی پژوهش حاضر، قرآن کریم و روایات موجود در منابع معتبر بوده است. برای تشخیص روایات معتبر، از معیار رتبه‌بندی طباطبایی (کتاب الف، ب، ج) استفاده شد. در این رتبه‌بندی که بر اساس ۱۲ ملاک انجام شده است، منظور از منابع درجه «الف»، کتب مقبولی است که مورد اعتماد شیعیان می‌باشد. منابع درجه «ب» نیز کتبی هستند که برای استناد از صلاحیت نسبی برخوردارند. در مقابل، منابع درجه «ج» به کتبی گفته می‌شود که به دلیل ضعفشان نباید به آنها اعتماد محض داشت و صرفاً می‌توان به‌منزله مؤید از آنها بهره برد (طباطبایی، ۱۳۹۰). بنابراین در این پژوهش تکیه اصلی بر منابع «الف» و «ب» بوده و از منابع «ج» صرفاً به‌عنوان مؤید استفاده شده است.

جمع‌آوری اطلاعات مربوط به احساس کهنتری، به روش نمونه‌گیری هدفمند صورت گرفت. در مرحله «بررسی روایی محتوایی» نیز، مطابق با روش نمونه‌گیری هدفمند، ۷ متخصص علوم حوزوی و روان‌شناسی انتخاب شدند.

فرایند پژوهش به این شکل انجام شد که در بخش اول کیفی، ابتدا با استفاده از راهبرد «جست‌وجوی واژگانی» در منابع اسلامی و با استفاده از ۱۵ واژه (حقر، ذل، هون، مهن، خشع، خضع، ضعف، صغر، خبت، زری، ضرع، نبذ، عجب، کبر، عظم) که به تأیید ۴ کارشناس متخصص (استادیار علوم قرآنی، استادیار علوم حدیث، استادیار روان‌شناسی، استاد درس خارج حوزه علمی قم) رسیدند و همچنین با استفاده از راهبرد «جست‌وجوی موضوعی» از کتب روایی و همچنین پژوهش‌های مرتبط، حدود ۴۳۰۰ گزاره دینی بررسی و از میان آنها ۳۰۰ گزاره مرتبط به

احساس کهرتری جمع‌آوری شد؛ سپس این گزاره‌ها از جهت میزان ارتباط مفهومی با موضوع پژوهش حاضر (مدل مفهومی احساس کهرتری مطلوب) مجدداً مورد بررسی دقیق قرار گرفته و ۱۴۲ گزاره دینی به‌عنوان متون برگزیده نهایی برای تحلیل انتخاب شدند.

در مرحله بعد داده‌ها با استفاده از روش کدگذاری سه‌مرحله‌ای (باز، محوری و انتخابی بر اساس رویکرد شیبه و شانون) تحلیل شدند. بدین صورت که در این مطالعه، فرآیندی روشمند با تحلیل کنترل‌شده متون انجام شده است که پژوهشگر را به طراحی مدل مفهومی نزدیک کرده است. همچنین در پژوهش حاضر، با توجه به ماهیت اکتشافی و استقرایی مسئله، محقق از رهیافت تحلیل محتوای کیفی به روش استقرایی استفاده کرده است. بنابراین پژوهشگر از کاربرست مقوله‌های پیش‌پنداشته، اجتناب کرده و سعی نموده با غوطه‌ور ساختن خود در داده‌ها، بینش‌های جدید پدیدار ساخته و مقوله‌ها را از داده‌ها استخراج کند. این روش در مقابل «تحلیل محتوای کیفی جهت‌دار با هدایت‌شده» و همچنین «تحلیل محتوای کیفی تلخیصی یا جمع‌بندی‌گرا» قرار دارد (Hsieh & Shannon, 2005).

استفاده از روش تحلیل محتوای کیفی مبتنی بر تعیین سطح و واحد تحلیل است. واحد تحلیل، واحدی است که متن و محتوای مورد بررسی را به اجزای یکسان و قابل شمارش تبدیل می‌کند و با این کار به تحقق یکی از اجزای تحلیل محتوا منجر می‌شود (دلاور، ۱۴۰۳). واحد تحلیل در این پژوهش، بر اساس رویکرد تحلیلی براون و کلارک (۲۰۰۶)، «معنا» می‌باشد؛ به این معنا که در این پژوهش، واحدهای تحلیل صوری (مثل کلمه یا جمله)، نقطه شروعی برای واحدهای تحلیل معنایی بوده و ملاک اصلی کدگذاری، معنای برداشت‌شده از داده‌ها بوده است. بنابراین چنانچه یک جمله حاوی چند معنا و یا چند جمله حاوی یک معنا بوده باشند، کدها بر اساس معنا از هم تفکیک شده‌اند. از همین رو در این پژوهش شاهد تکرار جملاتی هستیم که مفید بیش از یک معنا بوده‌اند.

در فرایند تجزیه و تحلیل اطلاعات، ابتدا در مرحله کدگذاری باز، پس از خواندن متن هر گزاره، مفهوم اصلی آن استخراج و در قالب کدهایی ثبت گردید. در این مرحله، تعداد ۱۴۲ کد باز به‌دست آمد؛ سپس این کدها با یکدیگر مقایسه و موارد مرتبط و مشابه با یکدیگر ادغام و برای هر یک عنوان مناسبی انتخاب شد که ۱۸ کد محوری را تشکیل دادند. کدهای محوری در واقع مؤلفه‌های اصلی مدل می‌باشند؛ در نهایت، ۴ مقوله عمده در کدگذاری انتخابی استخراج شد.

در بخش کمی، به‌منظور سنجش «روایی محتوایی»، از دو روش کمی «شاخص روایی محتوا» و «نسبت روایی محتوا» استفاده شد. بر اساس روش لاوش (۱۹۷۵)، «پانل ارزیابی محتوا» به‌عنوان یک روش معتبر برای تعیین روایی محتوایی به کار می‌رود. مطابق این روش، لازم است گروهی از خبرگان حوزه مورد نظر، به‌صورت مستقل، کلیات و اجزای مدل مورد نظر را ارزیابی کنند. در پژوهش حاضر نیز محتوای «مدل مفهومی احساس کهرتری مطلوب» توسط ۷ نفر از متخصصین مربوطه مورد ارزیابی قرار گرفت. داده‌های به‌دست‌آمده از سنجش شاخص روایی

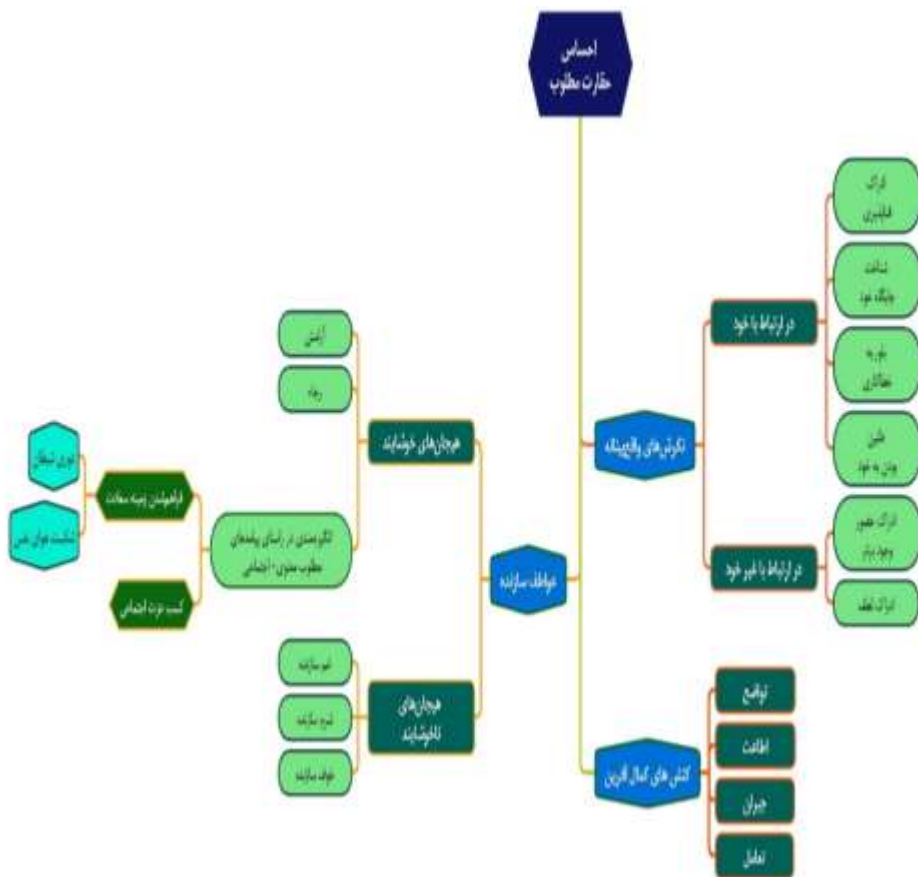
محتوا، مطابق با فرمول $CVI = \frac{n-1}{n}$ محاسبه می‌شود. این شاخص از طریق تجميع امتیازات موافق (زیاد و خیلی زیاد) و مخالف (کم و خیلی کم) در رابطه با هر مؤلفه و تقسیم آن بر تعداد کارشناسان به‌دست می‌آید؛ همچنان که لین (۱۹۸۶) پیشنهاد داده است، این شاخص نباید کمتر از ۷۹/۰ باشد؛ چراکه چنانچه شاخص مؤلفه‌ای کمتر از عدد مزبور باشد، مؤلفه مورد نظر از روایی محتوایی برخوردار نخواهد بوده و یا باید حذف شود و یا مورد بازنگری مجدد و روایی جدید قرار بگیرد (Polit, Beck & Owen, 2007). همچنین داده‌های به‌دست‌آمده از سنجش نسبت روایی محتوا نیز بر اساس $CVR = \frac{n_e - n/2}{N/2}$ محاسبه می‌شود. در واقع، نسبت روایی محتوا از طریق تقسیم تفاضل تعداد کارشناسان موافق ضرورت و نصف کارشناسان بر یک دوم کارشناسان است. لاوش (۱۹۷۵) اظهار داشته است که حداقل معیار قابل قبول برای ارزش CVR، بر اساس تعداد متخصصان است. به‌عنوان مثال، اگر تعداد متخصصان ۱۰ نفر باشد، حداقل CVR قابل قبول «۶۲/۰» است (Roebianto & et al., 2023). بر این اساس، حداقل CVR قابل قبول در این پژوهش که توسط ۷ متخصص ارزیابی شده است، «۹۹/۰» می‌باشد.

یافته‌های پژوهش

در این بخش پس از توضیح اجمالی یافته‌های پژوهش، تمامی مؤلفه‌های احساس کهرتری مطلوب، تبیین و سپس نتیجه روایی سنجی ارائه می‌گردد.

یافته‌های پژوهش نشان داد که مفهوم احساس کهرتری در منابع اسلامی، قابل تقسیم به دو سطح «احساس کهرتری مطلوب» و «احساس کهرتری نامطلوب» است. هرچند به‌طور کلی احساس کهرتری در هریک از دو سطح مذکور، به نوعی احساس نقص و ناچیزی خود در مقایسه با موجودی دیگر اشاره دارد (عسکری، ۱۴۰۰ق)، لکن مؤلفه‌های متفاوت هریک در آیات و روایات، موجب تفاوت ماهوی آنها می‌شود. احساس کهرتری مطلوب، مفهومی متشکل از مقوله‌های نگرش واقع‌بینانه به خود و دیگران، عاطفه سازنده و کنش کمال‌آفرین و همچنین پیامدهای مطلوب معنوی - اجتماعی است.

توضیح بیشتر مقوله‌های احساس کهرتری مطلوب آنکه نگرش‌های واقع‌بینانه در ارتباط با خود، شامل ۴ مؤلفه (ادراک فناپذیری، شناخت جایگاه خود، باور به خطاکاری، ظنین بودن به خود) و در ارتباط با دیگران، شامل ۲ مؤلفه (ادراک حضور وجود برتر، ادراک لطف) می‌شود. همچنین عواطف سازنده، دربردارنده «هیجان‌های ناخوشایند» که خود شامل ۳ مؤلفه (غم سازنده، شرم سازنده، خوف سازنده) و «هیجان‌های خوشایند» که شامل ۳ مؤلفه (آرامش، رجا، انگیزه‌مندی در راستای پیامدهای مطلوب معنوی - اجتماعی) است، می‌باشد. در نهایت، مقوله کنش‌های کمال‌آفرین نیز از ۴ مؤلفه (تواضع، اطاعت، جبران، تعامل) تشکیل شده است.



نمودار ۱: مدل مفهومی احساس کهرتری مطلوب بر اساس منابع اسلامی

۱. تبیین مؤلفه‌های مفهوم احساس کهرتری مطلوب

احساس کهرتری مطلوب، مفهومی متشکل از ۱۸ مؤلفه است که به‌منظور ارائه مدلی منظم و منطقی، بر اساس مقولات، در قالب دسته‌بندی ذیل ارائه می‌گردد.

۱-۱. نگرش‌های واقع‌بینانه در ارتباط با خود

۱-۱-۱. ادراک فناپذیری

از جمله موضوعاتی که مورد تأکید فراوان آیات و روایات قرار گرفته است، مسئله معاداندیشی و تفکر درباره عاقبت خویشتن است (حر عاملی، ۱۴۱۶ق، ج ۲، ص ۴۳۶). مطابق روایات، آثار روان‌شناختی قابل ملاحظه‌ای مترتب بر ادراک فناپذیری است که وجه برتری ساعتی تفکر بر یک سال عبادت را روشن می‌سازد (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۶، ص ۱۳۳).

یکی از این آثار، تحقق احساس کهرت و زوال فخر، کبر و عجب است (شریف رضی، ۱۴۰۷ق، ص ۲۱۴؛ شیخ صدوق، ۱۴۰۴ق، ج ۴، ص ۳۹۳)؛ همچنان که امیرالمؤمنین علیه السلام در سفارش به امیران چنین می‌نویسد: «فَاذْكُرْ عِظَمَ قُدْرَةِ اللَّهِ عَلَيْكَ وَتَفَكَّرْ فِي الْمَوْتِ وَمَا بَعْدَهُ فَإِنَّ ذَلِكَ يَنْقُصُ مِنْ زَهْوِكَ وَيَكْفُ مِنْ مَرَحِكَ وَيُحَقِّرُ فِي عَيْنِكَ مَا اسْتَعْظَمْتَ مِنْ نَفْسِكَ»؛ پس به یاد آور عظمت قدرت خدا را بر خودت، و در مرگ و آنچه پس از آن است بیندیش؛ زیرا این کار، از تکبرت می‌کاهد و از شادمانی (بی‌قاعده) تو را بازمی‌دارد، و آنچه را که از (شأن) خودت بزرگ پنداشتی، در چشمانت خوار و کوچک می‌سازد (ابن حیون، ۱۳۸۳ق، ج ۱، ص ۳۵۴). بنابراین «ادراک فناپذیری» یک نگرش واقع‌بینانه در رابطه با خود است که با احساس کهرت نسبت به خود پیوند دارد.

۲-۱. شناخت جایگاه خود

یکی از موانع خودشناسی، عجب است (ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴ق، ص ۲۸۵). امیرالمؤمنین علیه السلام خودبزرگ‌پنداری و تکبر را ناشی از فخر جاهلیت و تفسیر غلط جایگاه واقعی خود در بافت اجتماعی قبیله معرفی می‌کند (شریف رضی، ۱۴۰۷ق، ص ۲۸۹). در واقع، اگر شخصی تصویری واقعی از خویش‌نشدن نداشته باشد و ضعف‌های خود را نادیده بگیرد، احساس کهرت مطلوب نخواهد داشت؛ همچنان که وقتی حضرت عیسی علیه السلام از یکی از اصحاب خود که ابتدا همراه با او بر سطح آب راه رفته بود، ولی در میانه راه داخل آب شده بود، درباره افکارش پرسید، وی چنین پاسخ داد: «قُلْتُ هَذَا رُوحُ اللَّهِ يَمْشِي عَلَى الْمَاءِ وَأَنَا أَمْشِي عَلَى الْمَاءِ فَدَخَلْنِي مِنْ ذَلِكَ عَجَبٌ»؛ با خود گفتم این روح‌الله است که بر آب راه می‌رود و من نیز بر آب راه می‌روم، پس به خاطر این فکر در من عجب و احساس بزرگی داخل شد (کلینی، ۱۳۶۳، ج ۲، ص ۳۰۶). از این عبارات به‌خوبی مشهود است که یکی از مؤلفه‌های احساس کهرت مطلوب، شناختن جایگاه واقعی خود و پرهیز از عجب است.

۳-۱. باور به خطاکاری

احساس کهرت، نوعی احساس خواری و بی‌ارزشی است (فیومی، ۱۴۱۴ق، ج ۱، ص ۱۴۳). بدون باور به خطاکاری، احساس خواری معنا ندارد. در واقع، چنانچه فرد خود را گرفتار گناهان و اشتباهات خود نبیند، احساس خواری نمی‌کند. از همین رو امام صادق علیه السلام با تأکید بر باور به خطاکاری می‌فرماید: «إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ أَنَّ الدُّنْبَ خَيْرٌ لِلْمُؤْمِنِ مِنَ الْعُجْبِ وَلَوْ لَا ذَلِكَ مَا ابْتُلِيَ مُؤْمِنٌ بِذَنْبٍ أَبَدًا»؛ بی‌گمان خداوند می‌داند که گناه برای مؤمن از خودپسندی بهتر است و اگر این نبود، هیچ مؤمنی هرگز به گناهی آزموده نمی‌شد (کلینی، ۱۳۶۳، ج ۲، ص ۳۱۳). بنابراین اگر کسی از خطاهای خود غافل باشد، احساس کهرت مطلوب نخواهد داشت؛ همچنان که حماد در پاسخ به این پرسش که آیا نماز خواندن بلد هستی یا خیر؟ ابتدا با اطمینان از توانایی خود صحبت می‌کند، ولی پس از آنکه امام علیه السلام وی را متوجه خطاهای خود می‌سازد، حماد چنین گزارش می‌کند: «فَأَصَابَنِي فِي نَفْسِي الدُّلُّ فَقُلْتُ جِئْتُ فِدَاكَ فَعَلَّمَنِي الصَّلَاةَ»؛ پس در خودم خواری احساس کردم و گفتم: فدایت شوم، پس نماز را به من بیاموز (کلینی، ۱۳۶۳، ج ۳، ص ۳۱۱).

زمان می‌فرماید: «لَوْ رَأَيْتُمُوهُمْ لَأَخْتَفَرْتُمْ عَمَلَكُمْ»؛ اگر آنان را می‌دیدید، عمل خود را خوار می‌شمردید (صفار، ۱۴۰۴ق، ج ۱، ص ۴۹۱).

۲-۱. ادراک لطف

ادراک لطف، زمینه‌ی شکرگزاری را فراهم می‌کند. تشکر از منبع از مسائل مورد تأکید اسلام است (کلینی، ۱۳۶۳، ج ۲، ص ۹۴). روایات متعددی به نقش واسطه‌ای احساس خواری هنگام یادآوری الطاف الهی اشاره کرده‌اند (طوسی، ۱۳۶۵، ج ۲، ص ۱۱۲). سجده‌ی شکر، جلوه‌ای از احساس ذلت در برابر پروردگار و اذعان به عظمت خداوند است (شیخ صدوق، ۱۴۰۴ق، ج ۱، ص ۳۱۰). امام صادق علیه السلام در رابطه با جایگاه احساس کهرتری هنگام یادآوری لطف خداوند و شکرگزاری آن می‌فرماید:

إِذَا ذَكَرَ أَحَدُكُمْ نِعْمَةَ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ فَلْيُضَعْ خَدُّهُ عَلَى التُّرَابِ شُكْرًا لِلَّهِ فَإِنْ كَانَ رَاكِبًا فَلْيَنْزِلْ فَلْيَضَعْ خَدَّهُ عَلَى التُّرَابِ وَإِنْ لَمْ يَكُنْ يَقْدِرُ عَلَى التَّنَزُّلِ لِلشَّهْرَةِ فَلْيَضَعْ خَدَّهُ عَلَى قَرْبُوسِهِ وَإِنْ لَمْ يَقْدِرْ فَلْيَضَعْ خَدَّهُ عَلَى كَفِّهِ ثُمَّ لِيَحْمَدِ اللَّهَ عَلَى مَا أَنْعَمَ عَلَيْهِ؛ هرگاه یکی از شماها نعمت خدای عز و جل را به یاد آورد، صورت خود را بر خاک گذارد و خدا را شکر گوید و اگر سوار باشد، پیاده شود و صورت بر خاک نهد و اگر از بیم شهرت نتواند که پیاده شود، صورت خود را بر زمین نهد و اگر نتواند چهره خود را به کف دست گذارد، سپس خدا را بر نعمتی که به او بخشیده است سپاس گوید (کلینی، ۱۳۶۳، ج ۲، ص ۹۸).

بنابراین یکی از مؤلفه‌های شناختی احساس کهرتری مطلوب، ادراک لطف است.

۳-۱. عواطف ناخوشایند سازنده

۱-۳-۱. غم سازنده

احساس خواری در برابر دیگری، همراه با نوعی حزن است؛ همچنان که در روایات متعددی احساس کهرتری و احساس غم، قرین یکدیگر ذکر شده‌اند (قمی، ۱۴۰۴ق، ج ۲، ص ۲۰۷). منظور از غم سازنده به‌عنوان یک هیجان قرین با احساس کهرتری مطلوب، حزن مطلوب است؛ حزن که از احساس خواری منشعب شده است (جعفرین محمد رحمه الله، ۱۴۰۰، ص ۱۸۸). در واقع، وقتی فرد متوجه ناچیزی خود می‌شود، حزن مطلوب نیز فعال شده و فرد را به سمت کمال حرکت می‌دهد. امام صادق علیه السلام ضمن آموزش دعا به ابن سیابه چنین می‌فرماید: «أَلْبَجَاتُهُ ذُنُوبُهُ إِلَى ذُلِّ مَقَامِهِ بَيْنَ يَدَيْكَ وَخُضُوعِهِ لَدَيْكَ وَابْتِهَالِهِ إِلَيْكَ»؛ گناهانش او را به خواری ایستادنش در پیشگاهت و فروتنی‌اش نزدت و زاری‌اش به سویت کشاند (کلینی، ۱۳۶۳، ج ۳، ص ۳۱۱). بنابراین فردی که احساس کهرتری مطلوب می‌کند، از جمله عواطف به ظاهر ناخوشایندی که تجربه می‌کند و در اثر آن ساخته می‌گردد، احساس غم است؛ غمی که او را به سمت کمال حرکت می‌دهد.

۲-۳-۱. شرم سازنده

یکی از رایج‌ترین هیجانات همراه با احساس کهرتری در منابع اسلامی، احساس شرم است (طوسی، ۱۳۶۵، ج ۶، ص ۶۳). شاید بتوان گفت مؤلفه‌ی شناختی «باور به خطاکاری» همراه با این مؤلفه‌ی عاطفی، منجر به بروز مؤلفه‌های

رفتاری همچون «جبران» خواهد شد؛ همچنان که امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «إِنَّ الرَّجُلَ لَيُذْنِبُ الذَّنْبَ فَيَنْدُمُ عَلَيْهِ وَيَعْمَلُ الْعَمَلَ فَيَسْرُهُ ذَلِكَ فَيَتَرَاحَى عَنْ حَالِهِ تِلْكَ فَلَا أَنْ يَكُونَ عَلَى حَالِهِ تِلْكَ خَيْرٌ لَهُ مِنْ دَخَلٍ فِيهِ»؛ بی‌گمان، انسان گناهی می‌کند، پس بر آن پشیمان می‌شود و عملی انجام می‌دهد که آن [عمل] او را خوشحال می‌کند، پس از آن حالت خود [پشیمانی] غافل می‌شود، پس همانا اینکه بر آن حالت [پشیمانی] باشد، برای او بهتر است از آنچه [از رضایت و غفلت] به آن داخل شده (کلینی، ۱۳۶۳، ج ۲، ص ۳۱۳). در این روایت، نقش محوری شرم در بروز رفتار جبرانی و تداوم حالت احساس ذلت در برابر خداوند به‌خوبی قابل رؤیت است.

۳-۱-۳. خوف سازنده

یکی دیگر از هیجانات به ظاهر ناخوشایند ولی سازنده مرتبط با احساس کهرتی، احساس ترس است. خوف و احساس کهرتی در موارد متعددی در کنار یکدیگر ذکر شده‌اند (شیخ صدوق، ۱۴۰۴، ج ۲، ص ۶۲۰؛ ابن طاووس، ۱۳۶۷، ج ۲، ص ۶۶۲). پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله خطاب به جناب ابوذر می‌فرماید: «يَا أَبَا ذَرٍّ، لَوْ أَنَّ رَجُلًا كَانَ لَهُ مِثْلُ عَمَلِ سَبْعِينَ نَبِيًّا لَا خَتَقَرَهُ وَخَشِيَ أَنْ لَا يَنْجُو مِنْ شَرِّ يَوْمِ الْقِيَامَةِ»؛ ای اباذر! اگر مردی به اندازه عمل هفتاد پیامبر [عمل نیک] داشت، باز اعمال خود را خوار می‌شمرد و می‌ترسید که از شر [و سختی] روز قیامت نجات نیابد (طوسی، ۱۴۱۴، ق، ص ۵۳۰). همچنین امام صادق علیه السلام خودتحقیری و احساس خوف و همچنین نقش سازنده آن را این‌چنین تبیین می‌کنند: «إِنَّ الرَّجُلَ لَيُذْنِبُ الذَّنْبَ فَيُذْخِلُهُ اللَّهُ بِهِ الْجَنَّةَ قُلْتُ يُذْخِلُهُ اللَّهُ بِالذَّنْبِ الْجَنَّةَ قَالَ نَعَمْ إِنَّهُ لَيُذْنِبُ فَلَا يَزَالُ مِنْهُ خَائِفًا مَاقَاتِلًا لِنَفْسِهِ فَيَرْحِمُهُ اللَّهُ فَيُذْخِلُهُ الْجَنَّةَ»؛ به راستی که مردی گناهی می‌کند و خداوند به [سبب] آن، او را به بهشت درمی‌آورد. عرض کردم: خداوند او را به [سبب] گناه به بهشت درمی‌آورد؟ فرمود: آری، او گناهی می‌کند و پیوسته از آن [گناه] ترسان و از خود ناخشنود است، پس خداوند به او رحم می‌کند و او را به بهشت درمی‌آورد (کلینی، ۱۳۶۳، ج ۲، ص ۴۲۶). بنابراین فردی که احساس کهرتی مطلوب داشته باشد، احساس ترس سازنده نیز دارد.

۴-۱. عواطف خوشایند سازنده

۴-۱-۱. آرامش

مفهوم صبر در منابع دینی، در برابر مفاهیمی همچون اضطراب و غم نامطلوب به کار می‌رود. در واقع، افراد در برابر مشکلات، به دو دسته جزع یا صابر تقسیم می‌شوند. آرامش که در گرو صبر و دوری از جزع است، مشروط به احساس کهرتی و تضرع در برابر خداوند است (جعفرین محمد رحمه الله، ۱۴۰۰، ص ۱۸۵). بنابراین احساس کهرتی در برابر خداوند، فرد را صابر و به آرامش درون نزدیک می‌کند؛ همچنان که امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «الْصَّبْرُ يَذْخِيهِ كُلُّ أَحَدٍ وَمَا يَثْبُتُ عِنْدَهُ إِلَّا الْمَخْبُتُونَ»؛ همه مردم داشتن صبر و مقاومت را ادعا می‌کنند، ولی جز فروتنان و متواضعان ثابت‌قدم نیستند (جعفرین محمد رحمه الله، ۱۴۰۰، ص ۱۸۵). به‌طور کلی، خودخوارپنداری در برابر خداوند و دل سپردن به عظمت الهی، مانع از آن می‌شود که دیگران بتوانند فرد را دچار اضطراب کنند (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰، ق، ص ۶۴۷).

همچنان که هیجان خوف با احساس کهرتری مطلوب در ارتباط است، هیجان رجا نیز یکی از مؤلفه‌های احساس کهرتری است. در برخی از روایات، خوف و رجا با هم در کنار احساس کهرتری ذکر شده‌اند (شیخ صدوق، ۱۴۰۴، ج ۲، ص ۶۲۰). شاید بتوان گفت مؤلفه‌های شناختی «ادراک حضور وجود برتر» و «ادراک لطف» منجر به مؤلفه عاطفی «رجا» می‌شوند؛ چراکه اگر انسان به برتری و عظمت خداوند نسبت به خود و همچنین الطاف و نعم غیر قابل شمارش او توجه کند، از طرفی نسبت به خود احساس کهرتری می‌کند و از طرف دیگر خود را تحت حمایت چنین موجود باعظمتی یافته و از این طریق احساس امیدواری می‌کند. در واقع، بیش از آنکه باور به خود رجا‌آفرین باشد، باور به خداوند و اذعان به ضعف خود امیدآفرین است. امام صادق علیه السلام در این زمینه می‌فرماید: «كَيْفَ لَا يَرْجُو وَهُوَ يَعْرِفُ نَفْسَهُ بِالْعَجْزِ وَهُوَ غَرِيقٌ فِي بَحْرِ آلَاءِ اللَّهِ وَنِعَمَائِهِ مِنْ حَيْثُ لَا تُحْصَى وَلَا تُعَدُّ وَالْمُحِبُّ يَعْبُدُ رَبَّهُ عَلَى الرَّجَاءِ بِمُشَاهَدَةِ أَحْوَالِهِ بِعَيْنِ سَهْرٍ»؛ چگونه بنده امیدوار نباشد؛ درحالی که خود را به ناتوانی می‌شناسد و در دریای نعمت‌ها و الطاف خدا غرق شده است؛ نعمت‌هایی که شماره‌پذیر و قابل احصا نیست؟ و عاشق [خدا] پروردگارش را با امید عبادت می‌کند؛ درحالی که احوالش [نعمت‌های الهی] را با چشمی بیدار می‌نگرد (جعفر بن محمد رحمه الله، ۱۴۰۰، ص ۱۸۱).

۳-۴-۱. انگیزه‌مندی در راستای دوری شیطان (پیامد مطلوب معنوی)

یکی از پیامدهای احساس کهرتری مطلوب در منابع اسلامی، دور شدن شیطان از انسان و جلوگیری از سلطه اوست. امام صادق علیه السلام در این رابطه می‌فرماید: «فَقَارِئُ الْقُرْآنِ مُحْتَاجٌ إِلَى ثَلَاثَةِ أَشْيَاءَ قَلْبٍ خَاشِعٍ وَبَدَنِ فَارِغٍ وَمَوْضِعٍ خَالٍ فَإِذَا خَشَعَ لِلَّهِ قَلْبُهُ فَرَّ مِنْهُ الشَّيْطَانُ الرَّجِيمُ»؛ پس خواننده قرآن، به سه چیز نیازمند است: دلی فروتن، بدنی آزاد [از مشغولیت] و جایی خالی، و هنگامی که دلش برای خدا فروتن شود، شیطان رانده‌شده از او می‌گریزد (جعفر بن محمد رحمه الله، ۱۴۰۰، ص ۲۸).

در مقابل، یکی از پیامدهای احساس خودبزرگ‌بینی در منابع اسلامی، سلطه شیطان بر انسان است؛ همچنان که ابلیس در پاسخ به پرسش حضرت موسی علیه السلام درباره گناهی که منجر به سلطه شیطان بر انسان می‌شود، چنین پاسخ داد: «قَالَ إِذَا أَعْجَبَتْهُ نَفْسُهُ وَاسْتَكْبَرَ عَمَلَهُ وَصَغَرَ فِي عَيْنِهِ ذَنْبُهُ»؛ شیطان گفت: هنگامی که او را از خود خوش آید و عملش را زیاد شمارد و گنااهش در نظرش کوچک شود (کلینی، ۱۳۶۳، ج ۲، ص ۳۱۴). بنابراین اگر فردی موفق به کسب احساس کهرتری مطلوب شود، شیطان از او دور می‌شود. در مقابل، اگر فردی خویش را صاحب فضیلت ببیند، گرفتار تسلط شیطان خواهد شد؛ همچنان که امیرالمؤمنین علیه السلام می‌فرماید: «وَأَيَّاكَ وَالْإِعْجَابَ بِنَفْسِكَ وَالْتَفَقَ بِمَا يُعْجِبُكَ مِنْهَا وَحُبَّ الْإِطْرَاءِ فَإِنَّ ذَلِكَ مِنْ أَوْثَقِ فُرُصِ الشَّيْطَانِ فِي نَفْسِهِ لِيَمْحَقَ مَا يَكُونُ مِنْ إِحْسَانِ الْمُحْسِنِينَ»؛ و بپرهیز از خودپسندی، و از اعتماد به آنچه از خودت تو را به شگفت می‌آورد، و از دوست داشتن ستایش؛ زیرا این [خصلت‌ها] از استوارترین فرصت‌های شیطان در وجود آدمی است تا نیکی نیکوکاران را محو کند (شریف رضی،

۴-۱. انگیزه‌مندی در راستای شکست هوای نفس (پیامد مطلوب معنوی)

اصلاح نفس، منوط به سرزنش آن و در نتیجه احساس کهرتی است (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰ق، ص ۶۶۱). در قرآن کریم، موانع ایمان و عوامل سقوط به‌طور کلی ذیل سه عنوان عام و درعین حال مربوط به یکدیگر قرار گرفته‌اند که به ترتیب عبارت‌اند از: هوای نفس، دنیا، شیطان (مصباح یزدی، ۱۴۰۱ب). همچنان که توضیح داده شد احساس کهرتی مطلوب از دو مؤلفه انگیزه‌مندی در راستای پیامدهای «دوری شیطان» و «شکست هوای نفس» برخوردار است. در مقابل، احساس کهرتی نامطلوب از دو مؤلفه شناختی (بزرگ‌پنداری مادیات) و عاطفی (لذت‌گرایی بی‌قاعده) برخوردار است؛ بنابراین احساس کهرتی که فرد را در مبارزه با هوای نفس یاری نکند، مطلوب نخواهد بود. امام صادق علیه السلام در این رابطه می‌فرماید: «وَلَا حِجَابَ أَظْلَمُ وَأَوْحَشُ بَيْنَ الْعَبْدِ وَبَيْنَ اللَّهِ تَعَالَى مِنَ النَّفْسِ وَالْهَوَىٰ وَنَيْسٍ لِّقَتْلِهِمَا وَقَطْعِهِمَا سِلَاحٌ وَاللَّهُ مِثْلُ الْإِفْتِقَارِ إِلَى اللَّهِ سُبْحَانَهُ وَالْخُشُوعُ»؛ و هیچ حجابی تاریک‌تر و وحشتناک‌تر میان بنده و خداوند متعال از نفس و هوای [و هوس] نیست، و برای کشتن و بریدن این دو، هیچ سلاح و ابزاری مانند نیازمندی به خداوند منزّه و خشوع [فروتنی] نیست (جعفرین محمد رحمه الله، ۱۴۰۰، ص ۱۶۹). همچنین امام صادق علیه السلام در تعبیر دیگری این چنین به نقش احساس خواری و فروتنی در برابر خداوند در رهایی از تاریکی‌های هوای نفس اشاره فرموده‌اند: «عَلِمَ أَنَّكَ لَنْ تَخْرُجَ مِنْ ظُلُمَاتِ الْغُرُورِ وَالتَّمَنَّى إِلَّا بِصِدْقِ الْإِنَابَةِ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى وَالْإِخْبَاتِ لَهُ»؛ بدان که تو از تاریکی‌های غرور و آرزو بیرون نخواهی رفت، مگر با بازگشتی راستین به‌سوی خداوند متعال و فروتنی برای او. فروتنی و احساس کهرتی در برابر خداوند، منجر به خروج از تاریکی‌های غرور و آرزو می‌شود (جعفرین محمد رحمه الله، ۱۴۰۰، ص ۱۴۳).

۴-۱. انگیزه‌مندی در راستای کسب عزت اجتماعی (پیامد مطلوب اجتماعی)

روایات بسیاری از ارتباط احساس کهرتی مطلوب با عزت اجتماعی، در مقابل ارتباط احساس بزرگی با ذلت اجتماعی سخن گفته‌اند؛ همچنان که در روایتی چنین وارد شده است: «مَنْ لَمْ يَتَضَعْ عِنْدَ نَفْسِهِ لَمْ يَرْتَفَعْ عِنْدَ غَيْرِهِ»؛ هر کس نزد خودش فروتن نباشد، نزد دیگران بلندمرتبه نمی‌شود (لبی و واسطی، ۱۳۷۶، ص ۴۲۸). امیرالمؤمنین علیه السلام نیز می‌فرماید: «مَنْ تَكَبَّرَ عَلَى النَّاسِ ذَلٌّ»؛ هر کس بر مردم تکبر ورزد، خوار می‌شود (کلینی، ۱۳۶۳، ج ۸، ص ۱۹). بر اساس آیه شریفه «مَنْ كَانَ يُرِيدُ الْعِزَّةَ فَلِلَّهِ الْعِزَّةُ جَمِيعًا»؛ هر که خواهان عزت است، بداند که تمام عزت برای خداست (فاطر: ۱۰)، مسیر کسب عزت اجتماعی از ارتباط با خداوند می‌گذرد. خوار دیدن خود در برابر خداوند، زمینه تفصل عزت از جانب خداوند را فراهم می‌آورد؛ همچنان که خداوند متعال خطاب به حضرت موسی علیه السلام دلیل انتخاب وی از میان انسان‌ها به‌عنوان پیامبر را این چنین بیان می‌کند: «يَا مُوسَىٰ إِنِّي فَلَبْتُ عِبَادِي ظَهْرًا لِّطَنٍ فَلَمْ أَجِدْ فِيهِمْ أَحَدًا أَدْلَىٰ لِي نَفْسًا مِنْكَ يَا مُوسَىٰ إِنَّكَ إِذَا صَلَّيْتَ وَصَعْتَ خَذَكَ عَلَى التُّرَابِ»؛ ای موسی! من بندگانم را به دقت بررسی کردم و در میانشان کسی را که خود را برای من از تو فروتن‌تر کرده باشد، نیافتم. ای موسی! تو هنگامی که نماز

می‌خوانی، گونه‌ها را بر خاک می‌گذاری (کلینی، ۱۳۶۳، ج ۲، ص ۱۲۳). مطابق این بیان، جایگاه رفیع نبوت و عزت اجتماعی در میان مردم، وابسته به احساس کهتری در برابر خداوند بوده است؛ بنابراین احساس کهتری که موجب ذلت واقعی فرد در اجتماع شود، احساس کهتری مطلوب نیست.

۱-۵. کنش‌های کمال‌آفرین

۱-۵-۱. تواضع

«تواضع» در لغت به معنای «تذلل» است (فراهیدی، ۱۴۰۹ق، ج ۲، ص ۱۹۶). همچنین در روایات نیز مترادف با «تذلل» شمرده شده است (طریحی، ۱۳۷۵، ج ۴، ص ۴۰۵). باین وجود، بین این دو واژه، تمایز ظریفی وجود دارد. به‌طور دقیق، «تذلل» به نوعی ابراز عجز خود در برابر صاحب قدرت اشاره می‌کند، اما «تواضع» به معنای اظهار قدرت فرد مقابل است؛ هرچند که وی نسبت به خود قدرتی نداشته باشد (مصطفوی، ۱۴۱۶ق، ج ۳، ص ۳۲۷-۳۲۸). با مطالعه منابع اسلامی می‌توان گفت «تواضع» نسبت به دیگران با احساس کهتری نسبت به خود مرتبط است (جعفر بن محمد^ع، ۱۴۰۰، ص ۷۲)؛ همچنان که امیرالمؤمنین^ع این چنین به ارتباط خودکوچک‌بینی و رفتارهای متواضعانه اشاره فرموده‌اند: «إِذَا خَشِيَ الْكِبَرُ فَلْيَاكُلْ مَعَ عَبْدِهِ وَخَادِمِهِ وَلْيُخْلِطِ الْأَشَاءَ»؛ هنگامی که کسی از تکبر ترسید، با برده خود و خدمتکارش غذا بخورد و بز را بدوشد (شیخ صدوق، ۱۴۱۶ق، ج ۲، ص ۶۲۴). همچنین در روایتی دیگر امام صادق^ع می‌فرماید: «مَنْ خَصَفَ نَعْلَهُ وَرَفَعَ ثَوْبَهُ وَحَمَلَ سِلْعَتَهُ فَقَدْ بَرَّ مِنَ الْكِبَرِ»؛ هر که کفش خود را بدوزد و جامه خود را پینه بزند و کلاهی خود را حمل کند، از کبر پاک شده است (کلینی، ۱۳۶۳، ج ۸، ص ۲۳۱).

یکی از تفاوت‌های ماهوی احساس کهتری مطلوب و احساس کهتری نامطلوب، ارتباط این مؤلفه با سطح مطلوب و ارتباط کنش مشکل‌آفرین «تکبر و تجبر» با سطح نامطلوب است (کلینی، ۱۳۶۳، ج ۲، ص ۳۱۲). در واقع، خودکم‌بینی در مسیر مطلوب، با فروتنی اجتماعی و خودکم‌بینی در مسیر نامطلوب، با تکبر و زورگویی مشخص خواهند شد.

۱-۵-۲. اطاعت

احساس کهتری مطلوب در برابر «استکبار» به معنای «تعظم» و خودبزرگ‌بینی است (جوهری، ۱۴۰۴ق، ج ۲، ص ۸۰۲). مطابق روایات، یکی از اصول کفر که منجر به نافرمانی و عصیان می‌شود، استکبار است (کلینی، ۱۳۶۳، ج ۲، ص ۲۸۹). همچنین احساس کهتری نامطلوب نیز با نافرمانی ارتباط دارد (لثی واسطی، ۱۳۷۶، ص ۴۳۹). در مقابل، احساس کهتری نامطلوب از طرفی و احساس کبر از طرف دیگر، احساس کهتری مطلوب با اطاعت خداوند در ارتباط است؛ همچنان که امام سجاد^ع در این رابطه می‌فرماید: «سُبْحَانَكَ! أَحْسَى خَلْقِكَ لَكَ أَعْلَمُهُمْ بِكَ، وَأَخْضَعُهُمْ لَكَ أَعْلَمُهُمْ بِطَاعَتِكَ»؛ منزهی تو! ترسنده‌ترین خلق تو نسبت به خودت، داناترین آنان به توست، و فروتن‌ترینشان در برابر تو، کسی است که بیشتر به اطاعت عمل کند (علی بن حسین^ع، ۱۳۷۸، ص ۲۵۴). بنابراین

اگر احساس کهرتری منجر به ارتکاب معصیت شود، احساس کهرتری مطلوب نیست؛ چراکه احساس کهرتری مطلوب در مقابل کبر، مانع از آلوده شدن به گناهان می شود (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰ق، ص ۸۴).

۳-۵-۱. جبران

همچنان که در تبیین مؤلفه های مقوله «عواطف سازنده» اشاره شد، احساس کهرتری مطلوب از طریق هیجانات به ظاهر ناخوشایند ولی درواقع رشددهنده، می تواند فرد را در پی جبران اشتباهاتش یا آنچه از دست داده است، به حرکت درآورد و از این جهت کمال آفرینی کند؛ همچنان که امام صادق علیه السلام این گونه به تعامل مؤلفه های عاطفی و کارکردی اشاره فرموده اند: «إِنَّ الرَّجُلَ لَيُذِيبُ الذَّنْبَ فَيَنْدِمُ عَلَيْهِ وَيَعْمَلُ الْعَمَلَ فَيَسْرُهُ ذَلِكَ فَيَتَرَاخَى عَنْ خَالِهِ تِلْكَ فَلَا نَ يَكُونُ عَلَى خَالِهِ تِلْكَ خَيْرٌ لَهُ مِمَّا دَخَلَ فِيهِ»؛ بی گمان، انسان گناهی می کند، پس بر آن پشیمان می شود و عملی انجام می دهد که آن [عمل] او را خوشحال می کند، پس از آن حالت خود [پشیمانی] غافل می شود، پس همانا اینکه بر آن حالت [پشیمانی] باشد، برای او بهتر است از آنچه [از رضایت و غفلت] به آن داخل شده (کلینی، ۱۳۶۳، ج ۲، ص ۳۱۳). همچنین امام صادق علیه السلام در تبیین کیفیت اخذ جزیه از کافران و حکمت لزوم تحقیر ایشان می فرماید:

فَالْجِزْيَةُ تُؤْخَذُ مِنْهُمْ عَلَى قَدَرٍ مَا يُطِيقُونَ لَهُ أَنْ يَأْخُذَهُمْ بِهِ حَتَّى يَسْلِمُوا فَإِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى قَالَ حَتَّى يُعْطُوا الْجِزْيَةَ عَنْ يَدٍ وَهُمْ صَاغِرُونَ وَكَيْفَ يَكُونُ صَاغِرًا وَهُوَ لَا يَكْتَرِبُ مَا يُؤْخَذُ مِنْهُ حَتَّى يَجِدَ دُلًّا لِمَا أَخَذَ مِنْهُ فَيَأْلَمَ لِذَلِكَ فَيَسْلِمُ؛ پس جزیه از آنان گرفته می شود به اندازه ای که توانایی دارند، تا [خداوند] آنان را به آن [حکم] بگیرد تا اسلام بیاورند؛ چراکه خداوند تبارک و تعالی فرموده است: «تا اینکه جزیه را به دست خویش بدهند؛ درحالی که خوانند» و چگونه خوار است؛ درحالی که برای آنچه از او گرفته می شود اهمیت نمی دهد؟ تا زمانی که به خاطر آنچه از او گرفته شده، خواری احساس کند و از آن درد بکشد، پس اسلام بیاورد (کلینی، ۱۳۶۳، ج ۳، ص ۵۶۶).

این روایت به خوبی به نقش احساس کهرتری در اسلام آوردن تأکید می کند. نمونه دیگر از نقش احساس کهرتری در جبران اشتباهات، روایت حماد از آموزش نماز است. وی چنین گزارش می کند که در پی سرزنش امام علیه السلام احساس ذلتی در خود احساس کرده و در نتیجه از حضرت تقاضای تعلیم صلاة نمودم (کلینی، ۱۳۶۳، ج ۳، ص ۳۱۱).

۴-۵-۱. تعامل

هرچند در ابتدا ممکن است تصور شود فردی که خود را ناچیز می پندارد، اعتمادبه نفس کمی داشته و از روابط اجتماعی صمیمانه محروم خواهد ماند، لکن یکی از مؤلفه های احساس کهرتری مطلوب، تعامل اجتماعی است. در واقع، یکی از تفاوت های احساس کهرتری مطلوب و نامطلوب، به کارکردهای اجتماعی یا ضداجتماعی این دو احساس مربوط می شود. بر اساس روایات کسی که خود را از دیگران برتر نداند، درصدد خدمت رسانی به ایشان بر خواهد آمد (کلینی، ۱۳۶۳، ج ۲، ص ۱۵۶). در مقابل، کسی که تکبر داشته باشد، از سمت جامعه طرد خواهد شد (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰ق، ص ۵۵۷). بنابراین می توان گفت کسی که احساس کهرتری مطلوب داشته باشد، اهل معاشرت و تعامل با دیگران است؛ همچنان که امام صادق علیه السلام می فرماید: «مَنْ كَانَ خَاضِعًا لِلَّهِ فِي السِّرِّ كَانَ حَسَنَ الْمَعَاشَرَةِ فِي الْعَالَمِيَّةِ»؛ هر کس

در نهان برای خدا فروتن باشد، در آشکارا خوش همشین است (جعفر بن محمد علیه السلام، ۱۴۰۰، ص ۴۲). این روایت به‌خوبی ارتباط احساس خواری در برابر خداوند و تعامل اجتماعی با دیگران را بیان می‌کند.

بررسی شاخص روایی محتوا (CVI) و نسبت روایی محتوای (CVR) مؤلفه‌های احساس کهرتی مطلوب

پس از تعیین مؤلفه‌های مفهوم احساس کهرتی مطلوب در منابع اسلامی، به‌منظور بررسی روایی آنها، طی تہیة فرمی از ۷ کارشناس خبره در علوم اسلامی و روان‌شناسی درخواست شد نظرات خود را در رابطه با میزان مطابقت و ضرورت هریک از مؤلفه‌ها با مستندات ارائه دهند. ویژگی جمعیت‌شناختی گروه نمونه در جدول (۲) و نتایج حاصل از میزان شاخص روایی محتوا (CVI) و نسبت روایی محتوا (CVR) در جدول (۳) آمده است.

جدول ۱: ویژگی جمعیت‌شناختی گروه نمونه در بررسی شاخص و نسبت روایی محتوایی

ردیف	مدرک تحصیلی حوزوی	مدرک تحصیلی دانشگاهی
۱	سطح ۴ حوزه علمیه	دکتری (دانشیار روان‌شناسی)
۲	سطح ۴ حوزه علمیه	دکتری (استادیار روان‌شناسی)
۳	سطح ۴ حوزه علمیه	دکتری (استادیار روان‌شناسی)
۴	سطح ۴ حوزه علمیه	دکتری (استادیار روان‌شناسی)
۵	سطح ۴ حوزه علمیه	دکتری (استاد و پژوهشگر روان‌شناسی)
۶	سطح ۳ حوزه علمیه	کارشناسی ارشد (استاد و پژوهشگر روان‌شناسی)
۷	سطح ۳ حوزه علمیه	کارشناسی ارشد (استاد و پژوهشگر علوم حدیث و رجال)

جدول ۲: نتایج بررسی CVI و CVR پیرامون مؤلفه‌های احساس کهرتی مطلوب در منابع اسلامی

ردیف	مؤلفه	نمره CVI	تأیید یا رد	نمره CVR	تأیید یا رد
۱	ادراک فناپذیری	۱	تأیید	۱	تأیید
۲	شناخت جایگاه خود	۱	تأیید	۱	تأیید
۳	باور به خطاکاری	۱	تأیید	۱	تأیید
۴	ظنین بودن به خود	۱	تأیید	۱	تأیید
۵	ادراک حضور وجود برتر	۱	تأیید	۱	تأیید
۶	ادراک لطف	۱	تأیید	۱	تأیید
۷	غم سازنده	۰/۸۵	تأیید	۱	تأیید
۸	شرم سازنده	۱	تأیید	۱	تأیید
۹	خوف سازنده	۱	تأیید	۱	تأیید
۱۰	آرامش	۰/۸۵	تأیید	۱	تأیید
۱۱	رجا	۱	تأیید	۱	تأیید

۱۲	انگیزه‌مندی در راستای دوری شیطان	۱	تأیید	۱	تأیید
۱۳	انگیزه‌مندی در راستای شکست هوای نفس	۱	تأیید	۱	تأیید
۱۴	انگیزه‌مندی در راستای کسب عزت اجتماعی	۱	تأیید	۱	تأیید
۱۵	تواضع	۰/۸۵	تأیید	۱	تأیید
۱۶	اطاعت	۱	تأیید	۱	تأیید
۱۷	جبران	۱	تأیید	۱	تأیید
۱۸	تعامل	۱	تأیید	۱	تأیید
جمع و میانگین		۰/۹۷	تأیید	۱	تأیید

همان‌طور که در جدول نمایان است، هر دو بخش روایی از وضعیت مطلوبی برخوردار است؛ به‌طوری‌که شاخص CVI هریک از مؤلفه‌ها ۰/۸۵ و بالاتر بوده و میانگین کل شاخص روایی محتوا برابر با ۰/۹۷ است که بالاتر از مقدار CVI بحرانی، یعنی ۰/۷۹ است. همچنین نسبت CVR تمامی مؤلفه‌ها ۱ بوده و از این جهت، ضرورت مؤلفه‌ها نیز مورد تأیید است.

نتیجه‌گیری

مفهوم «احساس کهرتری» در دانش روان‌شناسی و منابع اسلامی در دو سطح مطلوب و نامطلوب مورد بحث و بررسی قرار گرفته است. به‌طور کلی، منظور از احساس کهرتری در هریک از دو سطح مذکور، نوعی احساس نقص و ناچیزی خود در مقایسه با موجودی دیگر است (عسکری، ۱۴۰۰ق). با توجه به تفاوت‌های مبنایی (به‌ویژه مبنایی انسان‌شناختی و ارزش‌شناختی) میان روان‌شناسی اسلامی و روان‌شناسی معاصر، تعریف این دو عرصه از «احساس کهرتری مطلوب» در برابر «احساس کهرتری نامطلوب» متفاوت شده است. نتایج کاربردی این تفاوت در بخش‌های مختلف روان‌شناسی از جمله «آسیب‌شناسی روانی» و «درمان» موجب آن شد که پژوهش حاضر به بررسی مؤلفه‌های احساس کهرتری مطلوب از منظر منابع اسلامی بپردازد. بنابراین پژوهش حاضر در پی تبیین مفهوم «احساس کهرتری مطلوب» در منابع اسلامی و روایی‌سنجی آن بود. در راستای این هدف، ابتدا با استفاده از جست‌وجوی ۱۵ واژه مرتبط یا متضاد با این مفهوم که به تأیید ۴ کارشناس متخصص نیز رسیده بود و همچنین جست‌وجوی مفهومی در کتب روایی و پژوهش‌های مرتبط، ۳۰۰ گزاره مرتبط با احساس کهرتری شناسایی شد که از این میان، تعداد ۱۴۳ مورد به احساس کهرتری مطلوب اختصاص داده شد؛ سپس با تجزیه‌وتحلیل گزاره‌های مربوط و انجام فرایند کدگذاری، تعداد ۱۸ مؤلفه که ذیل ۳ مقوله اصلی دسته‌بندی می‌شود، مشخص گردید؛ در مرحله بعد، تمامی مؤلفه‌ها از نظر شاخص روایی محتوا و نسبت روایی محتوا به تأیید ۷ نفر از متخصصین مربوطه رسیدند.

بر اساس یافته‌های پژوهش، احساس کهرتری مطلوب، مفهومی متشکل از مقوله‌های نگرش واقع‌بینانه به خود

و دیگران، عاطفه سازنده و کنش کمال آفرین است. توضیح بیشتر آنکه نگرش‌های واقع‌بینانه در ارتباط با خود، شامل ۴ مؤلفه (ادراک فناپذیری، شناخت جایگاه خود، باور به خطاکاری، ظنن بودن به خود) و در ارتباط با دیگران، شامل ۲ مؤلفه (ادراک حضور وجود برتر، ادراک لطف) می‌شود. همچنین عواطف سازنده، دربردارنده «هیجان‌های ناخوشایند» که خود شامل ۳ مؤلفه (غم سازنده، شرم سازنده، خوف سازنده) و «هیجان‌های خوشایند» که شامل ۳ مؤلفه (آرامش، رجا، انگیزه‌مندی در راستای پیامدهای مطلوب معنوی - اجتماعی) است، می‌باشد. در نهایت، مقوله کنش‌های کمال آفرین نیز از ۴ مؤلفه (تواضع، اطاعت، جبران، تعامل) تشکیل شده است.

با دقت در ساختار مفهومی «احساس کهرتری مطلوب» در مقابل «احساس کهرتری نامطلوب»، می‌توان گفت آنچه منجر به تمایز این دو نوع احساس می‌گردد، نقش زمینه‌ساز این احساس در «تقرب انسان به خداوند» است. این یافته با مبانی اسلامی نیز هماهنگ است. بر اساس مبانی انسان‌شناختی اسلامی، هدف خلقت بشر، قرب الهی است (نارویی نصرتی، ۱۴۰۱، ص ۳۲۰). قرب حقیقی به خداوند عبارت است از سیر علمی که روح در درون ذات خود به سوی خداوند دارد تا به مقامی برسد که خود را عین تعلق و ارتباط به او بیابد و برای خود و هیچ موجود دیگری استقلالی در ذات و صفات و افعال نبیند (مصباح یزدی، ۱۴۰۰). مطابق این دیدگاه، هر آنچه موجب قرب الهی شود، مطلوب واقعی و هر آنچه به بعد انسان از وجود حقیقی ختم شود، تهی از ارزش و بلکه ضد ارزش است (ر.ک: مصباح یزدی، ۱۳۹۱ ب). بنابراین چنانچه خودکم‌بینی، محرک و پیش‌برنده انسان به سمت کمال الهی باشد، مطلوب و در غیر این صورت هرچند به ظاهر موجبات پیشرفت و رشد را فراهم آورد، نامطلوب است (کلینی، ۱۳۶۳، ج ۲، ص ۱۳۷). البته مقایسه مؤلفه‌های احساس کهرتری مطلوب با نامطلوب، حکایت از آن دارد که احساس کهرتری مطلوب با کارکردهای روان‌شناختی مثبت در ارتباط است. در واقع، احساس کهرتری مطلوب با کارکردهای روان‌شناختی مطلوب، مسیر تقرب به درگاه الهی را هموار می‌سازد. در مقابل، احساس کهرتری نامطلوب با کارکردهای روان‌شناختی نامطلوب، مانع تقرب به درگاه الهی می‌شود. پر واضح است که این دیدگاه، تفاوت جدی با دیدگاه روان‌شناسانی همچون آدلر داشته و مقتضی بازبینی در برخی از گزاره‌های توصیفی و هنجاری دانش روان‌شناسی موجود است.

یافته‌های پیرامون مفهوم احساس کهرتری مطلوب، با پژوهش‌هایی همسو است. مؤلفه «دوری از وسوسه‌های شیطانی» در پژوهش کاشفی و همکاران (۱۳۹۹)، مطابق مؤلفه «انگیزه‌مندی در راستای دوری شیطان» در پژوهش حاضر است. مؤلفه کنشی «اطاعت» با مؤلفه «حق‌محوری» در پژوهش بارویی (۱۴۰۱) همخوان است. وی همچنین «حرکت آفرینی» در برابر «سرکوب‌کنندگی» را یکی از ملاک‌های فروتنی صحیح می‌داند که این یافته نیز با مقوله کنش‌های کمال آفرین همچون «جبران» در پژوهش حاضر شباهت دارد. مؤلفه عاطفی «آرامش» نیز با مؤلفه «آرامش» در پژوهش نوروزی چناری (۱۴۰۱) و مؤلفه «صبر» در پژوهش سعدی (۱۴۰۲) همسو است. کلاه کج و همکاران (۱۴۰۲) نیز «شناخت واقع‌بینانه از خود» و «باور داشتن به فقر وجودی» را از مؤلفه‌های شناختی تواضع

حقیقی دانسته‌اند که با مؤلفه شناختی «شناخت واقع‌بینانه از جایگاه خود» در این پژوهش ارتباط دارد. به‌علاوه مؤلفه «معرفت خداوند» در پژوهش پورکاویان و همکاران (۱۴۰۳) به‌عنوان یکی از عوامل احساس کهرتی ممدوح، با مؤلفه‌های «ادراک حضور وجود برتر» و «ادراک لطف» همسو می‌باشد. همچنین مؤلفه «انگیزه‌مندی در راستای کسب عزت اجتماعی» در این مدل، به‌عنوان یکی از آثار احساس کهرتی ممدوح از دیدگاه آیت‌الله جوادی آملی معرفی شده است. پورکاویان و همکاران (۱۴۰۴) در پژوهش دیگری «توجه به عملکرد منفی خود» را یکی از شرایط علی ایجاد احساس کهرتی مطلوب معرفی کرده‌اند که با مؤلفه «باور به خطاکاری» در این پژوهش شباهت دارد.

در مقابل، پژوهش حاضر برخلاف پژوهش پورکاویان و همکاران (۱۴۰۳) که «قرب الهی» را به‌عنوان یکی از عوامل و یکی از آثار احساس کهرتی ممدوح معرفی می‌کند، بر این باور است که «قرب الهی» ملاک مطلوبیت احساس کهرتی است. بنابراین قرب الهی نه عامل یا اثری در کنار عوامل و آثار دیگر احساس کهرتی، بلکه مایز اصلی احساس کهرتی مطلوب در برابر نامطلوب است. همچنین این پژوهش برخلاف نظر باروئی (۱۴۰۱)، تواضع و فروتنی را نه در مقابل ذلت نفس، بلکه یکی از مؤلفه‌های رفتاری احساس کهرتی دانسته و اصطلاح ذلت را نیز صرفاً به معنای نامطلوب در نظر نمی‌گیرد. احساس کهرتی مثبت در منابع اسلامی، مطابق پژوهش پورکاویان و همکاران (۱۴۰۴) از ۵ مؤلفه سازنده مفهوم تشکیل شده است که صرفاً از نوع هیجانی هستند؛ درحالی که احساس کهرتی مطلوب در پژوهش حاضر، از مؤلفه‌های شناختی، هیجانی و رفتاری تشکیل شده است. همچنین کلاه‌کج و همکاران (۱۴۰۲) معتقدند یکی از مؤلفه‌های شناختی تواضع حقیقی در منابع اسلامی، «توجه داشتن به شایستگی‌ها و نقاط قوت دیگران» است. در مقابل، پژوهش حاضر بر این باور است که توجه به شایستگی‌ها و نقاط قوت دیگران در صورتی که فرد را به قرب الهی نزدیک کند، مطلوب و در غیر این صورت نامطلوب است. از این رو در پژوهش حاضر «ادراک حضور وجود برتر» که شامل توجه به ویژگی‌های خداوند و درجه وجودی مؤمنین می‌شود، مؤلفه احساس کهرتی مطلوب و توجه به «برتری‌های مادی دیگران» نامطلوب معرفی شده است. پژوهش حاضر مدعی است حتی توجه به نقاط قوت معنوی دیگران چنانچه منجر به یأس و سکون خود و در نتیجه دوری از کمال حقیقی شود، احساس کهرتی نامطلوب است (کلینی، ۱۳۶۳، ج ۲، ص ۷۶)؛ چراکه «رجا» یکی از مؤلفه‌های احساس کهرتی مطلوب می‌باشد.

پژوهش‌های آتی می‌توانند با طراحی پرسش‌نامه احساس کهرتی و تدوین پروتکل مداخله در تکبر یا عجب، به جامعیت و کاربست بیشتر این موضوع کمک کنند.

منابع

قرآن کریم.

- ابن بابویه، محمد بن علی (شیخ صدوق) (۱۴۰۴ق). من لا یحضره الفقیه. مصحح: علی اکبر غفاری. قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- ابن بابویه، محمد بن علی (شیخ صدوق) (۱۴۱۶ق). الخصال. مصحح: علی اکبر غفاری. قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- ابن حیون، نعمان بن محمد (۱۳۸۳ق). دعائم الإسلام. مصحح: آصف فیضی. قاهره: دار المعارف.
- ابن شعبه حرانی، حسن بن علی (۱۴۰۴ق). تحف العقول. مصحح: علی اکبر غفاری. قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- ابن طاووس، علی بن موسی (۱۳۶۷). إقبال الأعمال. تهران: دار الکتب الإسلامیه.
- احمد، عاقل و جوانشیر، عباس (۱۴۰۱). تحلیل پیامدهای عزت نفس از منظر قرآن، احادیث و روان‌شناسی. مطالعات حدیث پژوهی، ۱۳(۱)، ۲۰-۲.
- امام چهارم، علی بن حسین (۱۳۷۸). الصحیفة السجادیة. ترجمه محسن غروی‌ان و عبدالجواد ابراهیمی فر. قم: الهادی.
- امام ششم، جعفر بن محمد (۱۴۰۰ق). مصباح الشریعه. بیروت: مؤسسه الأعلی للمطبوعات.
- امام یازدهم، حسن بن علی (۱۴۰۹ق). التفسیر المنسوب إلى الإمام العسکری (ع). محقق: محمدباقر موحّد ابطحی اصفهانی. قم: مدرسه الإمام المهدی (ع).
- باروثی، مریم (۱۴۰۱). تواضع و ذلت نفس در قرآن و سیره معصومین (ع). پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم. دانشکده علوم قرآنی مشهد.
- پورکاویان، زینب، صرفی، زهرا و شجاعی، محمدصادق (آماده انتشار). مدل مفهومی احساس کهنتری مثبت و بهنجار در قرآن و روایات. اسلام‌شناسی و قرآن پژوهی در جهان معاصر.
- پورکاویان، زینب، صرفی، زهرا، شجاعی، محمدصادق (۱۴۰۳). تحلیل مضمون مبانی اسلامی احساس حقارت از دیدگاه آیت‌الله جوادی آملی. اخلاق و حیاتی، ۲(۳۱)، ۱۴۹-۱۷۷.
- تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد (۱۴۱۰ق). غررالحکم و دررالحکم. مصحح مهدی رجایی. قم: دار الکتب الإسلامی.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۹۴). تسنیم. محقق: محسن حکیمی، حسین شفیعی و حسین اشراقی. قم: اسراء.
- جوهری، اسماعیل بن حماد (۱۴۰۴ق). الصحاح: تاج اللغة و صحاح العربیة. بیروت: دار العلم للملایین.
- حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۱۶ق). وسائل الشیعه. قم: مؤسسه آل البيت (ع) لإحياء التراث.
- خمینی، سیدروح‌الله (۱۳۹۲). شرح چهل حدیث (الربعین حدیث). تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ع).
- دلاور، علی (۱۴۰۳). پژوهش کیفی: بنیادهای عملی و نظری. تهران: رشد.
- سعادی، رسل سعدون نعیم (۱۴۰۲). خشوع و آثار فردی و اجتماعی آن در قرآن و روایات. پایان‌نامه کارشناسی ارشد علوم قرآنی. دانشگاه ادیان و مذاهب.
- شریف الرضی، محمد بن حسین (۱۴۰۷ق). نهج البلاغه. محقق: صبحی صالح. قم: دار الهجرة.
- شعیری، محمد بن محمد (بی‌تا). جامع الأخبار. نجف اشرف: المطبعة الحیدریه.
- صفار، محمد بن حسن (۱۴۰۴ق). بصائر الدرجات. مصحح: محسن کوچه‌باغی. قم: کتابخانه عمومی حضرت آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی.
- طریحی، فخرالدین بن محمد (۱۳۷۵). مجمع البحرین. تهران: مرتضوی.
- طوسی، محمد بن حسن (۱۳۶۵). تهذیب الأحکام. تهران: دار الکتب الإسلامیه.
- طوسی، محمد بن حسن (۱۴۱۴ق). الأملی. قم: دار الثقافه.
- عسکری، حسن بن عبدالله (۱۴۰۰). الفروق فی اللغة. بیروت: دار الآفاق الجدیده.

فراهیدی، خلیل بن احمد (۱۴۰۹ق). *کتاب العین*. قم: هجرت.

فیومی، احمد بن محمد (۱۴۱۴ق). *المصباح المنیر فی غریب الشرح الکبیر*. قم: دار الهجرة.

قمی، علی بن ابراهیم (۱۴۰۴ق). *تفسیر القمی*. مصحح: طیب جزایری. قم: دار الکتاب.

کاشفی، صدیقه، عزت دوست، محمد و فتاحی زاده، فتحیه (۱۳۹۹). تبیین راهکارهای عملی و نظری کسب تواضع و فروتنی بر مبنای تحلیل محتوای خطبه قاصعه امیرالمؤمنین علیه السلام. *اخلاق در تبلیغ*، ۱۰ (۳۷)، ۳۷-۱۱.

کاشفی، محدثه (۱۴۰۲). *راهکارهای ارتقای عزت نفس زنان از منظر آیات و روایات*. پایان نامه کارشناسی ارشد تفسیر و علوم قرآن. جامعه المصطفی العالمیه، مجتمع آموزش عالی بنت الهدی.

کلاه کج، کوثر، وجدانی، فاطمه و دهقان، رحیم (۱۴۰۲). تمایز تواضع حقیقی از شبه تواضع، با نظر به مؤلفه های شناختی و عاطفی آن در قرآن و روایات. *پژوهش نامه اخلاق*، ۱۶ (۶۱)، ۱۴۷-۱۶۶.

کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۶۳). *الکافی*. مصحح: علی اکبر غفاری و محمد آخوندی. تهران: دار الکتب الاسلامیه.

لیثی واسطی، علی بن محمد (۱۳۷۶). *عیون الحکم و المواعظ*. محقق: حسین حسینی بیرجندی. قم: دار الحدیث.

مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳ق). *بحار الأنوار*. بیروت: دار إحياء التراث العربی.

محمدرپور، احمد (۱۳۹۸). *ضد روش: زمینه های فلسفی و رویه های عملی در روش شناسی کیفی*. قم: لوگوس.

مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۹۱الف). *آفتاب مطهر*. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام.

مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۹۱ب). *پیش نیازهای مدیریت اسلامی*. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام.

مصباح یزدی، محمدتقی (۱۴۰۰). *به سوی خودسازی*. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام.

مصباح یزدی، محمدتقی (۱۴۰۱الف). *آیین پرواز*. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام.

مصباح یزدی، محمدتقی (۱۴۰۱ب). *اخلاق در قرآن*. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام.

مصباح یزدی، محمدتقی. (۱۴۰۲). *نگاهی گذرا به حقوق بشر از دیدگاه اسلام*. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.

مصطفوی، حسن (۱۴۱۶ق). *التحقیق فی کلمات القرآن الکریم*. تهران: وزارت ارشاد.

مفید، محمد بن محمد (بی تا). *الاختصاص*. قم: دفتر انتشارات اسلامی.

میرزاترابی، سیدمحسن، لطفی، زهرا و هادی، مهدی (۱۴۰۳). مدل مفهومی عزت نفس بر اساس آموزه های اسلام در نوجوانان. *اسلام و پژوهش های روان شناختی*، ۱۰ (۲۱)، ۲۵۵-۲۸۸.

نارویی نصرتی، رحیم (۱۴۰۱). *مبانی روان شناسی اسلامی*. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام.

نوروزی چناری، زهرا (۱۴۰۱). *اعجاز تربیتی قرآن با تأکید بر وائگان خشوع، خضوع و اخبات*. پایان نامه کارشناسی ارشد علوم قرآن.

دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم.

- Adler, A. (1956). *The individual psychology of Alfred Adler: A systematic presentation in selections from his writings* (H. L. Ansbacher & R. R. Ansbacher, Eds.). New York: Basic Books.
- Amani, D. Z. & Taqiyah. I. & Iswinarti. (2024). Factors Influencing Inferiority Feelings: A Systematic Review. *Journal of Scientific Research, Education, and Technology*, 3(4), 1756-1766.
- Braun, V. & Clarke, V. (2006). Using thematic analysis in psychology. *Qualitative Research in Psychology*, 3(2), 77-101.
- Colman. A. M. (2009). *A Dictionary of Psychology*: OXFORD UNIVERSITY PRESS.
- Corbin, J. & Strauss, A. (2015). *Basics of qualitative research: Techniques and procedures for developing grounded theory* (4rd ed.). Thousand Oaks, CA: Sage.
- Corsini. R. J. (1999). *The Dictionary of Psychology*. Brunner/Mazel.

- Downie, A. (2022). Christian Shame and Religious Trauma. *Religions*, 13(10), 925.
- Feist. G. J., Roberts. T. A. & Feist. J. (2021). *Theories of Personality, Tenth Edition*. New York: McGraw-Hill Education.
- Feldman. R. S. (2020). *Development across the life span, Ninth Edition*. New York: Pearson.
- Hsieh, H. F. & Shannon, S. E. (2005). Three approaches to qualitative content analysis. *Qualitative Health Research*, 15(9), 1277-1288.
- Istiqomah, I., Ratnasari, I. & Ahmad, M. D. (2025). The effect of social support on feelings of inferiority in students. *SHS Web of Conferences*, 224, 07012.
- James, W. (1902). The varieties of religious experience: A study in human nature. Longmans, Green, and Co.
- Lawshe, C. H. (1975). A quantitative approach to content validity. *Personnel Psychology*, 28(4), 563-575.
- Liu. Y., Xu. C., Kuai. X., Deng. H., Wang. K. & Luo. Q. (2022). Analysis of the causes of inferiority feelings based on social media data with Word2Vec. *Scientific Reports*. 12. Article number: 5218.
- Maslow. A. H. (1970). *Motivation and Personality*. New York: Harper & Row.
- O'Leary, Z. (2017). The essential guide to doing your research project (3rd ed.). Sage Publications.
- Otto, R. (1958). The idea of the holy: An inquiry into the non-rational factor in the idea of the divine and its relation to the rational (J. W. Harvey, Trans.). Oxford University Press. (Original work published 1923)
- Polit, D. F., Beck, C. T. & Owen, S. V. (2007). Is the CVI an acceptable indicator of content validity? Appraisal and recommendations. *Research in Nursing & Health*, 30(4), 459-467.
- Reber, A. S. & Reber. E. (1995). *The Penguin Dictionary of Psychology*, Renguin Books.
- Roebianto, A., Savitri, S. I., Aulia, I., Suciñana, A. & Mubarakah, L. (2023). Content validity: Definition and procedure of content validation in psychological research. *TPM: Testing, Psychometrics, Methodology in Applied Psychology*, 30 (1), 5-18.
- Rogers, C. R. (1989-B). *On becoming a person: a therapist's view of psychotherapy*. New York: HOUGHTON MIFFLIN.
- Santrock. J. W. (2020). *Essentials of Life-Span Development. Sixth Edition*. New York: McGraw-Hill Education.
- Stoyanova, S. & Ivantchev, N. (2025). Self-Esteem and Feelings of Inferiority and Superiority Among Athletes and Non-Athletes. *European Journal of Investigation in Health, Psychology and Education*, 15(2), 22.
- Schultz. D. P. & Schultz. S. E. (2017). *Theories of Personality, Eleventh Edition*, Cengage Learning.
- Shen. H., Li. M. & Li. L. (2022). Influence of Social Exclusion on the Inferiority Feeling of Community Youth. *Iran J Public Health*, 51(7), 1576-1584.
- VanenBos, G. R. (2015). *APA Dictionary of Psychology: American Psychological of Association*: Washington.
- Trier, J. (1931). *Der deutsche Wortschatz im Sinnbezirk des Verstandes: die Geschichte eines sprachlichen Felde*s. Heidelberg: C. Winter.